

ارائه الگوی اجتناب از فرار مالیاتی بر اساس ابعاد تلفیقی مالی، اطلاعاتی و فناوری در سازمان امور مالیاتی کشور

سحر حاجی علیزاده

دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران
Sahar_alizadeh71@yahoo.com

مهدی دسینه

استادیار گروه حسابداری، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران "نویسنده مسئول"
m.dasineh@iauba.ir

حجت الله سالاری

استادیار گروه حسابداری، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران
hojjatslr@gmail.com

حمید رستمی جاز

استادیار گروه حسابداری، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران
rostamijaz@iauba.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۶

چکیده

این تحقیق با هدف ارائه الگوی اجتناب از فرار مالیاتی بر اساس ابعاد تلفیقی مالی، اطلاعاتی و فناوری در سازمان امور مالیاتی کشور انجام گرفت. دوره‌ی زمانی اجرای این پژوهش از ابتدای زمستان ۱۴۰۱ تا پایان زمستان ۱۴۰۲ بود. اطلاعات مورد نیاز تحقیق جهت مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM) جهت ارائه الگو از مصاحبه با ۱۴ نفر از خبرگان سازمان امور مالیاتی کشور که سابقه کاری بیش از ۱۰ سال و تجربه‌ی اشتغال در سیستم دریافت مالیات الکترونیکی داشتند، گردآوری شد. در این تحقیق با استفاده از مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM) یک الگوی برای اجتناب از فرار مالیاتی بر اساس ابعاد مالی، اطلاعاتی و فناوری طراحی شد. نتایج تحلیل ساختاری تفسیری (ISM) توسط مدل اکتشافی نشان داد که عوامل فناوری اطلاعات شامل سیستم‌های حسابداری الکترونیکی، نرم‌افزارهای مالی، سیستم‌های ردیابی معاملات و سیستم‌های اطلاعات مالی متمرکز اثرگذارترین و پرنفوذترین عوامل در مدل اجتناب از فرار مالیاتی موجب ارتقا سیستم‌های اطلاعاتی شامل ثبت دقیق اطلاعات، ارتباطات موثر، پایش و کنترل و ایجاد امنیت اطلاعاتی و ارتقا سیستم‌های مالی شامل نظارت مستمر، ثبت دقیق تراکنش‌ها، اطلاع‌رسانی به مراجع مالیاتی، اجرای قوانین و مقررات مالی و همکاری با مراجع قضایی می‌شود. در نهایت اثرات متقابل عوامل بیان شده موجب اجتناب از فرار مالیاتی می‌شود.

واژه‌های کلیدی: ابعاد مالی، ابعاد فناوری، فرار مالیاتی، قابلیت فناوری اطلاعات.

۱- مقدمه

گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) و انقلاب دانش، دولت‌هایی با چشم‌انداز و چشم‌انداز بلندمدت به اجرای شیوه‌های دولت الکترونیک پرداختند. با توجه به شناخت روزافزون اهمیت فناوری اطلاعات و ارتباطات برای حکمرانی، این سؤالات مطرح می‌شود، با توجه به این استدلال که دیجیتالی شدن خدمات دولتی کارایی دولت را افزایش می‌دهد آیا طرح‌های دولت الکترونیک به کاهش فرار مالیاتی کمک می‌کند؟ علاوه بر این، اگر پذیرش فناوری اطلاعات و ارتباطات توسط جامعه و شهروندان تقویت می‌شود آیا رابطه بین دیجیتالی شدن خدمات دولتی و فرار مالیاتی کمتر می‌شود؟ (یویار و همکاران، ۲۰۲۱). در دهه‌های اخیر، مقامات مالیاتی استراتژی‌های خود را تغییر داده‌اند تا شامل اقدامات و رویه‌هایی باشد که بتواند بر رفتار فرار مالیاتی تأثیر بگذارد، مانند تعدیل نرخ‌های مالیاتی، افزایش ساختار سلسله مراتب مالیاتی و ارائه معافیت‌های مالیاتی و یارانه‌ها به افراد و شرکت‌ها (کانتابل و گراسی، ۲۰۱۹). فرار مالیاتی در اکثر کشورها مخصوصاً در کشورهای در حال توسعه که دارای سیستم مالیاتی ضعیف هستند و همچنین مشکلات متعدد اقتصادی و اجتماعی وجود دارد، یک مشکل جدی و فراگیر شده است (صامتی و همکاران، ۱۴۰۰). اگرچه حسابداران مالیاتی معمولاً از روش‌های قانونی برای اجتناب از انجام تعهدات مالیاتی شرکت‌ها استفاده می‌کنند، اما گاهی اوقات آنها چارچوب قانونی و استانداردهای اخلاقی را نقض می‌کنند بر اساس مطالب ذکر شده در این بخش از پژوهش به بیان کلیات موضوع ارائه الگوی اجتناب از فرار مالیاتی بر اساس ابعاد تلفیقی مالی، اطلاعاتی و فناوری در سازمان امور مالیاتی کشور پرداخته شد لذا مسئله اصلی پژوهش پاسخ به این پرسش است الگوی اجتناب از فرار مالیاتی بر اساس ابعاد مالی، اطلاعاتی و فناوری در سازمان امور مالیاتی کشور چگونه است؟.

چارچوب نظری و پیشینه تحقیق

سیستم های مالی

سازمان‌های امروزی در عصر اطلاعات فعالیت و رقابت می‌کنند و اطلاعات تبدیل به منبع کلیدی اکثر سازمان‌ها شده است. در واقع، مبنای رقابت، از اطلاعات مشهود به اطلاعات نامشهود تغییر یافته است. جنبش نرم‌افزاری عصر امروز و تغییر و تحول سریع در حوزه علوم مدیریت و همچنین، تأثیرات آن در حسابداری و گزارش‌دهی به صاحبان سرمایه، افراد مسئول در این امر را به آن واداشته است که به فکر یافتن راه‌حلی برای حرکت سریع به سوی رشد و توسعه باشند. در این راستا، تصمیماتی که مدیر می‌گیرد، به طور عمده در حرکت به سوی رشد و توسعه تأثیر مستقیم خواهد داشت. به همین جهت، در

بزرگترین منابع درآمدی دولت در اکثریت کشورهای جهان از طریق دریافت مالیات است. البته سهم مالیات از کل درآمدهای عمومی در میان کشورها متفاوت بوده و میزان آن بستگی به سطح توسعه و ساختار اقتصادی آنها دارد. اگر چه فرار مالیاتی حتی در کشورهای دارای یک نظام مالیاتی به طور کامل توسعه یافته نیز مشاهده می‌شود، ولی این مسئله برای کشورهای در حال گذار و آن دسته از کشورهایی که از نظام‌های قدیمی جمع‌آوری مالیات استفاده می‌کنند، بحرانی‌تر است. فرار مالیاتی مسئله‌ای است که از چند جهت می‌تواند بر اقتصاد اثرگذار باشد. نخست اینکه، توانایی دولت را در جمع‌آوری مالیات و برآوردن نیازهای بودجه‌ای کاهش می‌دهد. در واقع، فرار مالیاتی با کاهش درآمدهای مالیاتی، توزیع بار مالیاتی را تحت تأثیر قرار داده و می‌تواند از طریق محدود کردن گزینه‌های مورد انتخاب دولت، سیاست مالی را با مشکل روبه‌رو سازد. دوم اینکه، فرار مالیاتی می‌تواند یک سری تبعات منفی دیگری نیز برای اقتصاد به دنبال داشته باشد. برای مثال، تحمیل بار بر بودجه دولت، با مشکل روبه‌رو ساختن تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، توزیع ناعادلانه ثروت و تأثیر منفی بر پس‌انداز و انباشت سرمایه بخش خصوصی همراه است. در این خصوص سلمورد (۲۰۰۷)، معتقد است که فرار مالیاتی منجر به افزایش مالیات تحریفی گردیده و از این رو با بزرگ‌تر نمودن اقتصاد زیرزمینی، منابع را به سمت فعالیت‌های غیر تولیدی سوق داده، لذا مانعی برای رشد اقتصادی به شمار می‌آید (سلمورد، ۲۰۰۷). در نهایت، فرار مالیاتی می‌تواند بر اثربخشی سیاست‌های اقتصادی نیز اثرگذار باشد، زیرا این‌گونه سیاست‌ها بر اساس شاخص‌های رسمی (همانند بیکاری، تعداد نیروی کار رسمی، درآمد، مصرف) صورت می‌پذیرد و این در حالی است که وجود اقتصاد زیرزمینی سیاستمداران را با مشکل روبه‌رو ساخته و منجر به این می‌گردد که سیاست اقتصادی درست و مناسبی اعمال نگردد. لذا اگر بتوان عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی را شناسایی کرد، آنگاه سیاست‌گذاران به راحتی می‌توانند سیاست‌های مناسب در جهت حداقل نمودن هزینه‌های فرار مالیاتی را به کار گیرند (هادیان و تحویلی، ۱۳۹۲). در چند دهه اخیر، دولت‌ها در سراسر جهان از بخش خصوصی در استفاده از اینترنت برای ارتباط با شهروندان خود پیروی کرده‌اند، زیرا متوجه شده‌اند که فناوری‌های اینترنتی به عنوان یک نوآوری می‌تواند خدمات دولتی را ساده‌سازی کرده و کارایی آن‌ها را افزایش دهند. بنابراین، بسیاری از دولت‌ها سیستم‌های دولت الکترونیک ملی را برای مقابله پویاتر با تقاضای رو به رشد شهروندان و مشاغل برای خدمات مؤثر دولتی معرفی کرده‌اند. به گفته یونابات (۲۰۱۷)، در واکنش به سرعت سریع جهانی شدن،

برخی مطالعات بر پیاده‌سازی های خاص مانند تبدیل سیستم‌های اطلاعاتی قدیمی در مقیاس بزرگ متمرکز هستند. در این موارد، محققان ممکن است این موضوعات را کشف کنند و همچنین می‌توانند بر اساس این موضوعات سیستم‌هایی را طراحی کنند که شامل نقش برنامه‌ریزی استراتژیک سیستم‌های اطلاعاتی، تجزیه و تحلیل سهامداران، رویکردهای سازمانی و تجزیه و تحلیل فرآیند تجارت است (کاسیس، ۲۰۱۹).

فرار مالیاتی

هرگونه تلاش غیرقانونی به منظور عدم پرداخت مالیات، فرار مالیاتی خوانده می‌شود. فرار مالیاتی ممکن است به روش‌های مختلف صورت گیرد ولی هدف اصلی در به کارگیری این روش‌ها، عدم پرداخت کامل یا ناقص مالیات است. فرهنگ حقوقی فرار مالیاتی را پرداخت ناقص مالیات از طریق فعالیت‌های غیرقانونی یا تقلب در پرداخت آن یا اشتباه پر کردن مدارک مالیاتی به طور عمدی می‌داند.

فرار مالیاتی موجب کاهش درآمد مالیاتی دولت؛ اختلال در بودجه سالانه و تغییر توان رقابتی عوامل اقتصادی به نفع مرتکبین می‌شود. این عامل شکاف بین گروه‌های مختلف درآمدی را بیشتر خواهد کرد. چنانچه برای پیشگیری از فرار مالیاتی چاره‌اندیشی نشود، ممکن است افراد دیگر نیز به منظور افزایش توان مالی خود به این کار ترغیب شوند. به دلیل تأثیر رفتار اجتماعی افراد بر یکدیگر، فرار مالیاتی، به رغم پرهیز برخی افراد، به تدریج مقبولیت عمومی پیدا می‌کند (ثنائی پور، ۱۳۹۹).

ابعاد مالی، اطلاعاتی و فناوری و اجتناب از فرار مالیاتی:

درآمد مالیاتی یکی از اصلی‌ترین منابع درآمدی دولت‌ها در اغلب کشورهای دنیاست. همچنین درآمدهای مالیاتی قابل قبول‌ترین و مناسب‌ترین نوع آن از نظر اقتصادی است و در جهت اجرای سیاست‌های اقتصادی، اعم از توزیعی مالی و حتی هدایت اقتصاد در مسیر اهداف کلان اقتصادی مانند تثبیت اقتصادی، ایجاد اشتغال، رشد اقتصادی و بهبود رفاه اجتماعی ابزاری کارآمد به شمار می‌آید. از سوی دیگر، فرار و تقلب مالیاتی، یک بدرفتاری غیرقانونی و نادرست نسبت به تعهدات مالیاتی است. فرار مالیاتی آثار سویی بر اقتصاد می‌گذارد که می‌توان به تأثیر آن بر رشد اقتصادی، توزیع درآمد، پس‌انداز بخش خصوصی، سرمایه‌گذاری بخش دولتی و ... اشاره کرد. این سوء رفتارها می‌تواند به صورت حذف عمدی درآمد و یا دستکاری سود یا درآمد و در مجموع تلاش برای کتمان درآمد از دید مسئولین مالیاتی باشد. این موضوع منجر به کاهش درآمدی می‌شود که به شکل قانونی متعلق به دولت و مردم است و از این رو مبلغ قابل توجهی از

دسترس بودن اطلاعات مناسب (صحیح، به موقع و مربوط) ممکن است مدیریت را در این امر بزرگ یاری کند. علاوه بر این، با توجه به اینکه امروزه روابط اقتصادی میان واحدهای تجاری بسیار پیچیده و رقابتی شده است، بقای یک واحد تجاری، وابسته به در اختیار داشتن اطلاعات است و به همین جهت، مسئله اهمیت بیشتری پیدا می‌کند (گاویریا و همکاران، ۲۰۱۵). سیستم‌های مالی طیف گسترده‌ای از موضوعات را پوشش می‌دهد. ماهیت شیوه‌های حسابداری در طول سال‌ها، خصوصاً با تکامل سیستم‌های مالی، بسیار پیشرفت کرده است. سازمان‌ها در قرن بیست و یکم با مسائل جدید حسابداری مانند مدیریت دانش روبرو هستند. پیش از طراحی و پیاده‌سازی سیستم‌های اطلاعات حسابداری در هر شرکت، کسب شناخت از فعالیت‌های انجام شده در آن لازم بوده و محققان بایستی بر مزایای شرکت تمرکز کنند. طراحی و پیاده‌سازی سیستم‌ها در تحقیقات حسابداری تأثیر بسزایی هم در تحقیق و هم در عمل داشته است. طراحی، اجرا و استفاده موثر بر بسیاری از ذینفعان از جمله دولت‌ها، کاربران سیستم (به عنوان مثال، حساب‌سازان، حسابداران) و توسعه‌دهندگان تأثیر می‌گذارد. به عنوان مثال، دولت ایالت نیویورک به دلیل مسائل خارجی مانند سیستم‌های قدیمی و محدودیت‌های قانونی، در پذیرش یک سیستم جدید حسابداری با پیچیدگی‌هایی روبرو بود. همزمان با تکامل سیستم‌های حسابداری و دولت‌ها (و هر سازمان) جهت به‌روزرسانی سیستم‌های قدیمی، آنها با چالش‌هایی مانند مدیریت دانش و ارتباطات روبرو هستند. صرف‌نظر از چالش‌های توسعه سیستم‌های اطلاعات حسابداری، کاربران و توسعه‌دهندگان کلید موفقیت هستند. بسیاری از محققان اجرای موفقیت آمیز را، در موفقیت پروژه و موفقیت مالی ناشی از سیستم‌های اطلاعاتی جدید یافته‌اند. این در بسیاری از دامنه‌ها و روش‌ها صادق است. به عنوان مثال، در صنعت مراقبت‌های بهداشتی، سیستم‌های حسابداری بیمارستان با همکاری موفق تیم‌های توسعه و پزشکان، بالاترین موفقیت را کسب می‌کنند (چیو و همکاران، ۲۰۱۹). پیاده‌سازی سیستم‌های مدیریت دانش در ادبیات با چالش‌های زیادی روبرو است. بسیاری از مسائل ممکن است به دلیل مسائل مختلف مدیریتی و فرهنگی وابسته به کشور باشد. آموزش مسئله بسیاری از پیاده‌سازی‌ها است. همانطور که محدودیت در سرمایه‌گذاری‌های حسابرسی فناوری اطلاعات، عدم تمرکز روی فرآیندهای مدیریت دانش و عدم تمرکز بر اجرای فرآیند است. برنامه‌ریزی منابع سازمانی (ERP) موفقیت‌آمیز معمولاً پیاده‌سازی پروژه‌هایی است که شامل مدیریت تغییر و آموزش، بررسی مزایای مالی در مقابل هزینه‌ها و درک انواع سازمانی و عوامل فرهنگی است.

پیشینه تحقیق

پژوهش خارجی

الاژاری و همکاران (۲۰۲۲) به بررسی چگونه حاکمیت فناوری اطلاعات بر چابکی سازمانی تأثیر می‌گذارد با نقش آشفتگی بازار پرداختند و نتایج نظرسنجی از مدیران ارشد نشان داد که قابلیت‌های فناوری اطلاعات و نوآوری به طور کامل حاکمیت فناوری اطلاعات را بر چابکی سازمانی واسطه می‌کنند. آنها تأثیر قوی حاکمیت فناوری اطلاعات و قابلیت فناوری اطلاعات را بر چابکی سازمانی با آشفتگی بازار بالا نشان می‌دهند، در حالی که قابلیت نوآوری به شدت بر چابکی سازمانی با آشفتگی بازار کم تأثیر می‌گذارد.

ژن و همکاران (۲۰۲۱) به بررسی تأثیر مکانیسم‌های حاکمیت فناوری اطلاعات بر چابکی سازمانی و نقش پشتیبانی مدیریت ارشد و دوسوختگی فناوری اطلاعات پرداختند و نتایج نشان داد که حاکمیت مبتنی بر فرآیند و رابطه مثبت بر اکتشاف و بهره‌برداری فناوری اطلاعات تأثیر می‌گذارد، در حالی که اکتشاف و بهره‌برداری فناوری اطلاعات بر چابکی سازمانی تأثیر مثبت دارد. علاوه بر این، پشتیبانی مدیریت ارشد به طور مثبت بر چابکی سازمانی از طریق میانجیگری دوگانه حاکمیت مبتنی بر فرآیند و رابطه و اکتشاف و بهره‌برداری فناوری اطلاعات تأثیر می‌گذارد.

پژوهش داخلی

چمن و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان بررسی تأثیر توسعه مالی بر فرار مالیاتی در ایران به ارائه الگویی برای شناسایی عوامل موثر بر فرار مالیاتی ایران با تأکید بر توسعه مالی طی دوره زمانی ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۳ پرداختند. جهت تخمین مدل از روش خود توضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL) استفاده شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که نخست رابطه بلندمدتی میان فرار مالیاتی با متغیرهای توضیحی (توسعه مالی، نرخ باسواد، اندازه دولت و سهم ارزش افزوده بخش صنعت از GDP) وجود دارد. دوم توسعه مالی، تأثیر منفی و معنی داری (در کوتاه مدت و بلندمدت) بر فرار مالیاتی دارد؛

نوری (۱۳۹۹) به بررسی بررسی تأثیر قابلیت‌های فناوری اطلاعات بر بهبود عملکرد سازمانی با نقش میانجی چابکی سازمانی (مورد مطالعه: شعب بانک تجارت در شهر مشهد) پرداخت و یافته‌های این تحقیق نشان داد تمام فرضیات تحقیق مورد تایید قرار گرفت. به طوری که فناوری اطلاعات و ارتباطات بر عملکرد سازمانی با نقش میانجی چابکی سازمانی، چابکی سازمانی بر عملکرد سازمانی و فناوری اطلاعات و ارتباطات بر چابکی سازمانی تأثیر مثبت و معنی دار دارد.

درآمد محقق نمی‌شود. به عنوان مثال، مطالعه کمیسیون اروپا نشان می‌دهد که کل خسارت ناشی از عدم تحقق مالیات بر ارزش افزوده برای ۲۶ کشور اتحادیه اروپا تنها در سال ۲۰۱۱ حدود ۱۹۳ میلیارد یورو بود. از آنجا که سازمان مالیات بر ارزش افزوده با حجم میلیونی فاکتورهای خرید و فروش روبه‌رو است چاره‌ای جز توسل به شیوه‌های نوین ممیزی، بازرسی و ذخیره‌سازی اطلاعات و آموزش‌های مداوم نیروی انسانی خود و استفاده از امکانات رایانه‌ای ندارد. درواقع بررسی و کشف تقلب و ادعای کذب اعتبار مالیاتی به روش مستقیم و معمول قدیم امکان پذیر نیست (شکرخدايي و سلاطين، ۱۳۹۷). جایی که جرائم مالیاتی با تکنولوژی تسهیل می‌شود، راهکار مقابله تکنولوژیک نیز مورد نیاز است. متداول‌ترین ابزار مقابله با سوءاستفاده حذف فروش الکترونیکی، تکنولوژی ضبط اطلاعات است. این ابزار اطلاعات فروش را بلافاصله و همزمان با وقوع معامله ثبت و نگهداری و ذخیره می‌کند و به معنی آن است که اطلاعات ثبت‌شده غیرقابل جعل و دست‌کاری است و اطلاعات از طریق نرم‌افزارهای زاپر و فانتوم ویر قابل دست‌کاری یا تحریف نبوده و یا در صورت دستکاری احتمالی، قابل ردیابی و قابل تشخیص بوده و امنیت اطلاعات و داده‌ها نیز حفظ شده است. ابزارهای مختلفی برای انجام این کار وجود دارد که در کشورهای مختلف و توسط ارائه‌دهندگان خدمات مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرند. به عنوان مثال واحد کنترل مالی، ابزار مالی الکترونیکی، دستگاه حافظه مالی، کنترل کننده فروش یا ثبت و ضبط فروش نمونه‌هایی از این ابزارها هستند. این نوع فناوری‌ها باید بتواند در هر نوع دستگاه ثبت‌کننده وجوه نقد نظیر دستگاه ثبت‌کننده وجوه نقد الکترونیک سنتی، سیستم‌های رایانه‌ای ثبت فروش و یا تکنولوژی‌های مبتنی بر تبلت‌ها یا تلفن‌های همراه هوشمند قابل استفاده باشد. راهکارهای مختلفی وجود دارد که می‌تواند به عنوان یک بخش یکپارچه از یک دستگاه ثبت‌کننده وجوه نقد و یا به عنوان یک نرم‌افزار جانبی قابل نصب بر روی دستگاه ثبت‌کننده وجوه نقد باشد. قابلیت دیگر این نوع ابزار ارسال اطلاعات به طور خودکار به اداره مالیات از طریق اتصال آنلاین دستگاه ثبت‌کننده وجوه نقد به پایگاه داده شرکت است. این کار را می‌توان در زمان وقوع معامله و یا یک زمان برنامه‌ریزی شده مانند پایان هر روز یا هر ماه انجام داد و امکان دسترسی به اطلاعات از راه دور برای مسئولین مالیاتی جهت ممیزی و حسابرسی فراهم می‌شود. این دستگاه‌ها توانایی شناسایی مبالغی را دارد که قبلاً از لحاظ مالیاتی ناشناخته بوده و در حال حاضر بر مبنای درآمد قابل محاسبه خواهند بود (اسکارسلا، ۲۰۱۹).

فرضیه های تحقیق

فرضیه ۱: سیستم‌های مالی تأثیر مثبت و معناداری بر اجتناب فرار مالیاتی دارد.

فرضیه ۲: عوامل فناوری اطلاعات تأثیر مثبت و معناداری بر سیستم‌های مالی دارد.

فرضیه ۳: عوامل فناوری اطلاعات تأثیر مثبت و معناداری بر اجتناب فرار مالیاتی دارد.

روش شناسی تحقیق

این تحقیق از نظر پرداختن به ارائه الگوی اجتناب از فرار مالیاتی بر اساس ابعاد تلفیقی مالی، اطلاعاتی و فناوری در سازمان امور مالیاتی کشور، یک تحقیق بنیادی است. همچنین به دلیل ارائه توصیه‌های کاربردی، یک تحقیق کاربردی می‌باشد. لذا می‌توان گفت این تحقیق از نوع بنیادی-کاربردی است. تحقیق حاضر از نظر ماهیت از نوع تحقیقات اکتشافی است؛ زیرا مسئله‌ای را مورد توجه قرار می‌دهد که تا پیش از این به این شکل و در این سطح به آن پرداخته نشده بود. برای این مقصود از رویکرد ترکیبی (آمیخته) استفاده گردید که هدف آن ترکیب روش‌های تحقیق کیفی و کمی برای دستیابی به روشی مناسب به منظور رسیدن به اهداف تحقیق است. پژوهش حاضر در مرحله کیفی، تفسیری و در مرحله کمی از نوع اثبات گرایی می‌باشد پژوهشگر در این پژوهش از حیث توسل به کمی‌سازی رفتار پدیده مورد نظر، می‌تواند هر یک از روش‌های کمی، کیفی یا ترکیبی را اتخاذ نماید داده‌های کمی معمولاً از طریق پرسش‌نامه محقق ساخته

گردآوری می‌شوند. در روش کیفی، داده‌ها نه به صورت اعداد بلکه به شکل جملات، نشانه‌ها و علائم، رنگ‌ها، حرکات چهره و رفتار افراد و معمولاً به روش‌هایی مانند مصاحبه و مشاهده داده‌ها جمع‌آوری می‌شوند.

جامعه آماری این تحقیق در بخش کیفی کارشناسان سازمان امور مالیاتی کشور که سابقه کاری بیش از ۱۰ سال و تجربه‌ی اشتغال در سیستم دریافت مالیات الکترونیکی را داشته باشند و در بخش کمی حسابداران و حسابرسان مالیاتی تهران است. نمونه آماری در بخش کیفی بر اساس دستیابی به اشباع نظری و در بخش کمی بر اساس کل جامعه از جدول مورگان تعیین شد.

در بخش نمونه‌گیری در دسترس برای آزمون کردن مفروضات طراحی شده و استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری بر اساس جدول کرجسی و مورگان جامعه آماری تحقیق شامل کلیه حسابداران و حسابرسان مالیاتی تهران نامشخص است؛ بنابراین بر اساس جدول کرجسی و مورگان ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. از آنجایی که پیش‌بینی می‌شد تعدادی از پرسشنامه‌ها به‌طور صحیح پُر نشود و یا برگشت داده نشود، لذا برای اطمینان از در اختیار داشتن ۳۸۴ پرسشنامه صحیح، تعداد ۴۰۰ پرسشنامه توزیع شد. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها مشخص شد که تعداد ۳۸۷ پرسشنامه قابل استفاده هستند. بنابراین نرخ بازگشت پرسشنامه ۹۷ درصد است.

این تحقیق دو نوع آمار توصیفی دارد: آمار توصیفی مربوط به خبرگان برای روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM) و آمار توصیفی مربوط به مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM).

جدول ۴-۱: آمار توصیفی

جنسیت	فراوانی	درصد نسبی	درصد فراوانی	سن	فراوانی	درصد نسبی	درصد فراوانی	سابقه شغلی	فراوانی	درصد نسبی	درصد فراوانی
مرد	۱۲	۸۶	۷۴.۴	۳۵ تا ۲۵	۰	۳۲.۳	۳۲.۳	حسابداری	۵	۱۷.۶	۱۷.۶
زن	۲	۱۴	۱۰۰	۴۵ تا ۳۶	۵۷	۴۱.۹	۷۴.۲	حسابرسی	۵	۶۳.۳	۸۰.۹
جمع	۱۴	۱۰۰	-	۵۵ تا ۴۶	۲۹	۲۱.۴	۸۵.۶	مالی	۴	۱۹.۱	۱۰۰
	۳۸۷	۱۰۰		بالاتر از ۵۵	۱۴	۴.۴	۱۰۰	جمع	۱۴	۱۰۰	
				جمع	۳۸۷	۱۰۰			۳۸۷	۱۰۰	

یافته های پژوهش

تجزیه و تحلیل داده ها

در این تحقیق برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص CVR و روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM) و مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) استفاده شده است در این مرحله با

استفاده از شاخص CVR، ضریب نسبی محتوای هر یک از عوامل تعیین شد آنجایی که تعداد خبرگان ۱۴ نفر هستند، اگر مقدار CVR هر یک از عوامل بالاتر از ۰.۵۱ شود، روایی محتوای آن عامل تأیید می‌شود. نتایج حاصل از به‌کارگیری ضریب نسبی محتوا (CVR) در جدول ۴-۲ آمده است

جدول ۴-۲: مقدار CVR هر یک از عوامل

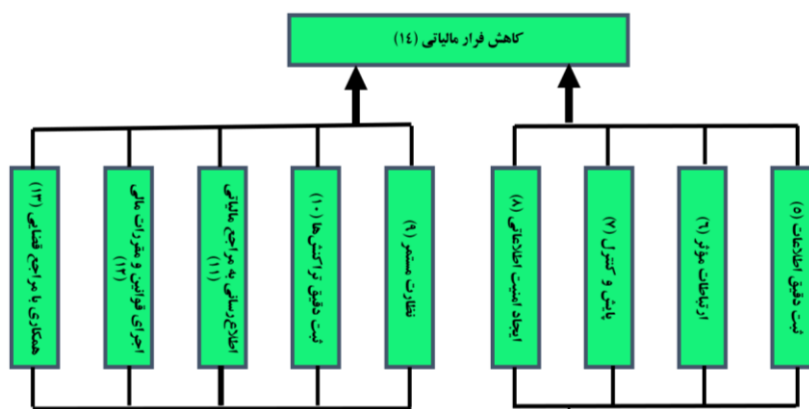
ردیف	عوامل	مقدار CVR	نتیجه	ابعاد	مقدار CVR	نتیجه
۱	سیستم‌های حسابداری الکترونیکی	۱	تأیید	عوامل فناوری اطلاعات	۱	تأیید
۲	نرم‌افزارهای مالی	۱	تأیید			
۳	سیستم‌های ردیابی معاملات	۱	تأیید			
۴	سیستم‌های اطلاعات مالی متمرکز	۱	تأیید			
۵	نظارت مستمر	۱	تأیید	سیستم‌های مالی	۱	تأیید
۶	ثبث دقیق تراکنش‌ها	۱	تأیید			
۷	اطلاع‌رسانی به مراجع مالیاتی	۱	تأیید			
۸	اجرای قوانین و مقررات مالی	۱	تأیید			
۹	همکاری با مراجع قضایی	۱	تأیید			
۱۰	اجتناب فرار مالیاتی	۱	تأیید	اجتناب فرار مالیاتی	۱	تأیید

در نهایت ۹ عامل ذکر شده در بالا اثرپذیرترین و وابسته‌ترین عامل مدل است که مدل نهایی ISM به صورت زیر ترسیم می‌شود:

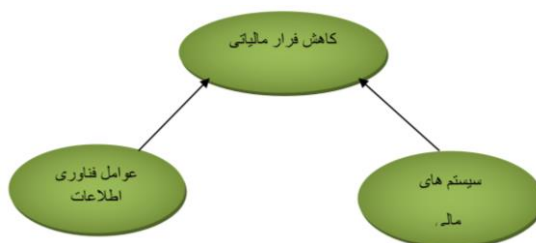
نتایج نشان داد که هر ۱۰ عامل و هر ۲ بعد مورد پذیرش هستند و خبرگان روی آنها برای طراحی مدل اتفاق نظر کامل دارند

مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM)

بعد از تایید عوامل در شاخص CVR توسط خبرگان از این ۹ عامل برای ارائه الگوی اجتناب از فرار مالیاتی بر اساس ابعاد تلفیقی مالی، اطلاعاتی و فناوری استفاده می‌شود.



مدل اولیه ISM



مدل نهایی ISM

مدل سازی معادلات ساختاری (SEM)

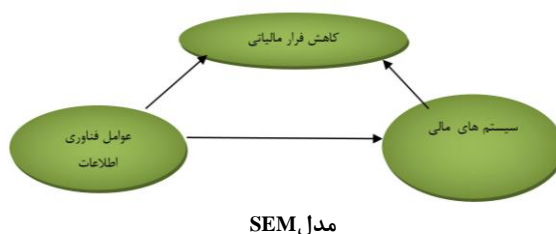
با توجه به گراف حاصل از روش ISM (مدل سازی ساختاری تفسیری) می توان فرضیه های زیر را تدوین نمود:

H1: سیستم های مالی تأثیر مثبت و معناداری بر اجتناب فرار مالیاتی دارد.

H2: عوامل فناوری اطلاعات تأثیر مثبت و معناداری بر سیستم های مالی دارد.

H3: عوامل فناوری اطلاعات تأثیر مثبت و معناداری بر اجتناب فرار مالیاتی دارد.

با توجه به فرضیه های استخراج شده، مدل مفهومی پژوهش به منظور بررسی با استفاده از مدل سازی معادلات ساختاری (SEM) به صورت زیر تدوین می شود.



مدل SEM

بنابراین مدل نهایی ISM که عبارت است از الگوی اجتناب از فرار مالیاتی بر اساس ابعاد تلفیقی مالی، اطلاعاتی و فناوری به صورت شکل ۳-۴ ترسیم می شود.

بررسی مدل های اندازه گیری

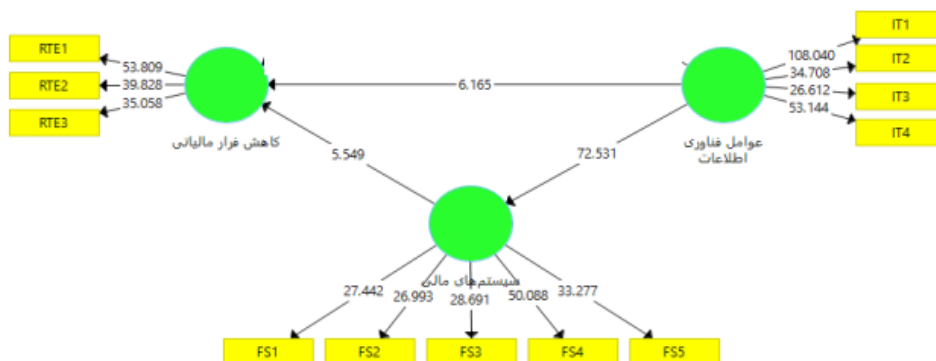
آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی (CR) و روایی همگرا

برتری پایایی ترکیبی نسبت به آلفای کرونباخ در این است که پایایی سازه ها نه به صورت مطلق بلکه با توجه به همبستگی سازه های شان با یکدیگر محاسبه می گردد. در نتیجه برای سنجش بهتر پایایی در روش PLS، هر دو این معیارها به کار برده می شوند. در صورتی که مقدار CR برای هر سازه بیشتر از ۰.۷ شود، نشان از پایداری درونی مناسب برای مدل های اندازه گیری دارد.

همان طور که در جدول ۳-۴ مشاهده می شود مقادیر ضریب آلفای کرونباخ تمامی متغیرهای تحقیق بیشتر از ۰.۷ به دست آمده و مناسب بودن پایایی با این شاخص تأیید می شود. مقادیر ضریب پایایی ترکیبی همه متغیرهای مورد مطالعه نیز بیشتر از ۰.۷ به دست آمده و بار دیگر مناسب بودن پایایی متغیرها را تأیید می نماید. روایی همگرا دومین معیاری است که برای برآزش مدل های اندازه گیری در روش PLS به کار برده می شود به بیان ساده تر، AVE میزان همبستگی یک سازه با شاخص های خود را نشان می دهد که هرچه این همبستگی بیشتر باشد، برآزش نیز بیشتر است (داوری و رضازاده، ۱۳۹۶). فورنل و لارکر (۱۹۸۱) معیار AVE را برای سنجش روایی همگرا معرفی کرده و اظهار داشتند که در مورد AVE، مقدار بحرانی عدد ۰.۵ است؛ بدین معنی که مقدار AVE بیشتر از ۰.۵ روایی همگرای قابل قبول را نشان می دهند

جدول ۳-۴: مقادیر آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی

متغیرها	کد	آلفای کرونباخ	CR
سیستم های اطلاعاتی	IS	۰.۸۰۲	۰.۸۷۱
سیستم های مالی	FS	۰.۸۵۰	۰.۸۹۳
اجتناب فرار مالیاتی	RTE	۰.۷۶۸	۰.۸۶۶



جدول ۴-۴: مقادیر R^2 مربوط به متغیرهای درون‌زای مدل

متغیرها	R^2
سیستم‌های مالی	۰.۷۱۵
اجتناب فرار مالیاتی	۰.۷۳۵

هرچه مقدار R^2 مربوط به سازه‌های درون‌زای یک مدل بیشتر باشد، نشان از برازش بهتر مدل است. داوری و رضا زاده (۱۳۹۶) به نقل از چین^۱ (۱۹۹۸) سه مقدار ۰.۱۹، ۰.۳۳ و ۰.۶۷ را به‌عنوان مقدار ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی R^2 معرفی کرده‌اند همان‌طور که مشاهده می‌شود متغیرهای مدل دارای مقادیر ضریب تعیین مناسب هستند.

جدول ۴-۵: بارهای عاملی استاندارد شده و ضرایب t بین متغیرهای مکنون و سوالات مربوطه

متغیرها	گویه‌ها	مقدار بار عاملی	مقدار آماره تی	سطح معناداری	نتیجه
عوامل فناوری اطلاعات	IT1	۰.۸۸۷	۱۰۸.۰۴۰	۰.۰۰۱	مطلوب و معنادار
	IT2	۰.۸۰۱	۳۴.۷۰۸	۰.۰۰۱	مطلوب و معنادار
	IT3	۰.۷۵۶	۲۶.۶۱۲	۰.۰۰۱	مطلوب و معنادار
	IT4	۰.۸۶۰	۵۳.۱۴۴	۰.۰۰۱	مطلوب و معنادار
سیستم‌های مالی	FS1	۰.۷۶۳	۲۷.۴۴۲	۰.۰۰۱	مطلوب و معنادار
	FS2	۰.۷۵۸	۲۶.۹۹۳	۰.۰۰۱	مطلوب و معنادار
	FS3	۰.۷۷۵	۲۸.۶۹۱	۰.۰۰۱	مطلوب و معنادار
	FS4	۰.۸۵۴	۵۰.۰۸۸	۰.۰۰۱	مطلوب و معنادار
	FS5	۰.۸۰۲	۳۳.۲۷۷	۰.۰۰۱	مطلوب و معنادار
اجتناب فرار مالیاتی	RTE1	۰.۸۵۷	۵۳.۸۰۹	۰.۰۰۱	مطلوب و معنادار
	RTE2	۰.۸۱۶	۳۹.۸۲۸	۰.۰۰۱	مطلوب و معنادار
	RTE3	۰.۸۰۴	۳۵.۰۵۸	۰.۰۰۱	مطلوب و معنادار

این ضریب مسیر در سطح خطای ۰.۰۵ معنادار است؛ یعنی سیستم‌های مالی بر اجتناب فرار مالیاتی تأثیر مثبت و معناداری دارد. با افزایش یک انحراف استاندارد در سیستم‌های مالی، شاهد افزایش در نمرات اجتناب فرار مالیاتی به اندازه ۰.۳۲۱ انحراف استاندارد خواهیم بود. بنابراین سیستم‌های مالی موجب افزایش اجتناب فرار مالیاتی خواهد شد. بنابراین با توجه به داده‌های گردآوری شده می‌توان گفت فرضیه اول تحقیق مبنی بر وجود تأثیر مثبت و معنادار سیستم‌های مالی بر اجتناب فرار مالیاتی با احتمال ۹۵ درصد تأیید می‌شود.

آزمون فرضیه‌ها

فرضیه ۱: سیستم‌های مالی تأثیر مثبت و معناداری بر اجتناب فرار مالیاتی دارد. بررسی ضریب اثر سیستم‌های مالی بر اجتناب فرار مالیاتی در جدول فوق نشان می‌دهد که این ضریب مسیر به میزان ۰.۳۲۱ برآورد شده است. با توجه به اینکه مقدار عدد معناداری (t -value) برابر با ۵.۵۴۹ و از ۱/۹۶ بیشتر می‌باشند و سطح معناداری کمتر از ۰.۰۵ به‌دست آمده؛ می‌توان نتیجه گرفت که

جدول ۴-۶: نتایج برآورد ضرایب معناداری تی و ضریب مسیر استاندارد شده فرضیه اول

فرضیه اول	ضریب مسیر (B)	مقدار تی (t-value)	سطح معناداری	نتیجه
سیستم‌های مالی ← اجتناب فرار مالیاتی	۰.۳۲۱	۵.۵۴۹	۰.۰۰۱	تأیید

فرضیه ۲: عوامل فناوری اطلاعات تأثیر مثبت و معناداری بر سیستم‌های مالی دارد.

بررسی ضریب اثر عوامل فناوری اطلاعات بر سیستم‌های مالی در جدول فوق نشان می‌دهد که این ضریب مسیر به میزان ۰.۸۴۶ برآورد شده است. با توجه به اینکه مقدار عدد معناداری (t-value) برابر با ۷۲.۵۳۱ و از ۱.۹۶ بیشتر می‌باشند و سطح معناداری کمتر از ۰.۰۵ به دست آمده؛ می‌توان نتیجه گرفت که این ضریب مسیر در سطح خطای ۰.۰۵ معنادار است؛ یعنی

عوامل فناوری اطلاعات بر سیستم‌های مالی تأثیر مثبت و معناداری دارد. با افزایش یک انحراف استاندارد در نمرات عوامل فناوری اطلاعات، شاهد افزایش در نمرات سیستم‌های مالی به اندازه ۰.۸۴۶ انحراف استاندارد خواهیم بود. بنابراین عوامل فناوری اطلاعات موجب افزایش سیستم‌های مالی خواهد شد. بنابراین با توجه به داده‌های گردآوری شده می‌توان گفت فرضیه دوم تحقیق مبنی بر وجود تأثیر مثبت و معنادار عوامل فناوری اطلاعات بر سیستم‌های مالی با احتمال ۹۵ درصد تأیید می‌شود.

جدول ۴-۷: نتایج برآورد ضرایب معناداری تی و ضریب مسیر استاندارد شده فرضیه دوم

فرضیه دوم	ضریب مسیر (B)	مقدار تی (t-value)	سطح معناداری	نتیجه
عوامل فناوری اطلاعات ← سیستم‌های مالی	۰.۸۴۶	۷۲.۵۳۱	۰.۰۰۱	تأیید

فرضیه ۳: عوامل فناوری اطلاعات تأثیر مثبت و معناداری بر اجتناب فرار مالیاتی دارد.

بررسی ضریب اثر عوامل فناوری اطلاعات بر کاهش فرار مالیاتی در جدول فوق نشان می‌دهد که این ضریب مسیر به میزان ۰.۳۵۵ برآورد شده است. با توجه به اینکه مقدار عدد معناداری (t-value) برابر با ۶.۱۶۵ و از ۱.۹۶ بیشتر می‌باشند و سطح معناداری کمتر از ۰.۰۵ به دست آمده؛ می‌توان نتیجه گرفت که این ضریب مسیر در سطح خطای ۰.۰۵ معنادار است؛ یعنی

عوامل فناوری اطلاعات بر اجتناب فرار مالیاتی تأثیر مثبت و معناداری دارد. با افزایش یک انحراف استاندارد در نمرات عوامل فناوری اطلاعات، شاهد افزایش در نمرات کاهش فرار مالیاتی به اندازه ۰.۳۵۵ انحراف استاندارد خواهیم بود. بنابراین عوامل فناوری اطلاعات موجب افزایش اجتناب فرار مالیاتی خواهد شد. بنابراین با توجه به داده‌های گردآوری شده می‌توان گفت فرضیه سوم تحقیق مبنی بر وجود تأثیر مثبت و معنادار عوامل فناوری اطلاعات بر اجتناب فرار مالیاتی با احتمال ۹۵ درصد تأیید می‌شود.

جدول ۴-۸: نتایج برآورد ضرایب معناداری تی و ضریب مسیر استاندارد شده فرضیه سوم

فرضیه سوم	ضریب مسیر (B)	مقدار تی (t-value)	سطح معناداری	نتیجه
عوامل فناوری اطلاعات ← اجتناب فرار مالیاتی	۰.۳۵۵	۶.۱۶۵	۰.۰۰۱	تأیید

نتیجه‌گیری و بحث

بر اساس نظرات خبرگان و مدل‌سازی ساختاری تفسیری در فصل چهارم عوامل فناوری اطلاعات شامل سیستم‌های حسابداری الکترونیکی، نرم‌افزارهای مالی، سیستم‌های ردیابی معاملات و سیستم‌های اطلاعات مالی متمرکزگذارترین و پرنفوذترین عوامل در مدل اجتناب فرار مالیاتی موجب ارتقا سیستم‌های مالی شامل نظارت مستمر، ثبت دقیق تراکنش‌ها، اطلاع‌رسانی به مراجع مالیاتی، اجرای قوانین و مقررات مالی و همکاری با مراجع قضایی می‌شود. در نهایت اثرات متقابل عوامل بیان شده موجب اجتناب فرار مالیاتی می‌شود. اجتناب فرار مالیاتی از طریق عوامل فناوری اطلاعات و سیستم‌های مالی

اتفاق می‌افتد که با تجربه کافی کارکنان سازمان در زمینه مالیات بر درآمد و فروش در زمینه استفاده از سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری الکترونیکی به میزان بسیار بالایی در کاهش گسترش پدیده فرار مالیاتی کمک کرده است. ابزارهای رایج در فناوری اطلاعات شامل برنامه‌ها و برنامه‌های نرم‌افزار و سخت‌افزار رایانه‌ای در یک سازمان است که این ابزارها معمولاً در جمع‌آوری، پردازش، ذخیره و انتقال اطلاعات مربوطه برای پشتیبانی از عملیات مدیریت استفاده می‌شوند. یافته‌ها نشان می‌دهد که فناوری اطلاعات و ابزار آن پتانسیل جلوگیری از فرار مالیاتی را دارد اطلاع‌رسانی به مراجع مالیاتی می‌تواند به‌عنوان یک ابزار برای جلوگیری از هرگونه تلاش برای تغییر یا جعل اطلاعات مالی

فرضیه ۳: بررسی ضریب اثر عوامل فناوری اطلاعات بر اجتناب فرار مالیاتی نشان می‌دهد که این ضریب مسیر مثبت برآورد شده است. با توجه به اینکه مقدار عدد معناداری از ۱.۹۶ بیشتر می‌باشند و سطح معناداری کمتر از ۰.۰۵ به دست آمده؛ می‌توان نتیجه گرفت که این ضریب مسیر در سطح خطای ۰.۰۵ معنادار است؛ یعنی عوامل فناوری اطلاعات بر اجتناب فرار مالیاتی تأثیر مثبت و معناداری دارد. با افزایش انحراف استاندارد در نمرات عوامل فناوری اطلاعات، شاهد افزایش در نمرات اجتناب فرار مالیاتی به اندازه ۰.۳۵۵ انحراف استاندارد خواهیم بود. بنابراین عوامل فناوری اطلاعات موجب افزایش اجتناب فرار مالیاتی خواهد شد. بنابراین با توجه به داده‌های گردآوری شده می‌توان گفت فرضیه سوم تحقیق مبنی بر وجود تأثیر مثبت و معنادار عوامل فناوری اطلاعات بر اجتناب فرار مالیاتی با احتمال ۹۵ درصد تأیید می‌شود.

فهرست منابع

نوش ناب، مهسا؛ حاج علیان؛ فرشاد و جهانگیر فرد، مجید. (۱۴۰۱). ارائه مدل پارادایمی معماری سازمانی امور مالیاتی بر پایه حاکمیت فناوری اطلاعات با روش داده بنیاد (مطالعه موردی سازمان امور مالیاتی کشور). پژوهشنامه مالیات، ۴۴، ۵۵-۹۱.

صابر تنها، فرزانه و بی‌بابک، صادق. (۱۳۹۵). بررسی ارتباط فناوری اطلاعات و حسابداری. مطالعات علوم انسانی، ۲(۷)، ۱۹-۱۳.

ثنائی پور، هادی. (۱۳۹۹). شناسایی و اولویت‌بندی عوامل موثر بر فرار مالیاتی در کسب‌وکارهای کوچک و متوسط از دیدگاه کارکنان سازمان امور مالیاتی کشور: مطالعه‌ای آمیخته. پژوهشنامه مالیات، ۲۸(۴۷)، ۷-۳۰.

نوری توپکانلو، زهرا. (۱۳۹۹). بررسی تاثیر قابلیت های فناوری اطلاعات بر بهبود عملکرد سازمانی با نقش میانجی چابکی سازمانی (مورد مطالعه: شعب بانک تجارت در شهر مشهد)، چهارمین کنفرانس بین المللی پیشرفت های اخیر در مدیریت و مهندسی صنایع.

هادیان، ابراهیم و تحویلی، علی. (۱۳۹۲). شناسایی عوامل موثر بر فرار مالیاتی در اقتصاد ایران. فصلنامه علمی پژوهشی برنامه ریزی بودجه، ۱۸(۲)، ۳۹-۵۸.

شکرخدايي، فریده و سلاطین، پردانه. (۱۳۹۷). تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر درآمدهای مالیاتی در گروه کشورهای منتخب با تأکید بر فرار مالیاتی. پژوهشنامه اقتصاد کلان، ۱۳(۲۵)، ۱۰۷-۱۳۲.

در سیستم عمل کند. با اطلاع‌رسانی به مراجع مالیاتی، شرکت‌ها مطمئن تر هستند که اطلاعات مالی آنها به صورت دقیق و شفاف در سیستم قرار دارد و در نتیجه، نیازی به هرگونه تلاش برای تغییر یا جعل اطلاعات مالی نیست یکی از عوامل مؤثر در تضعیف و عدم اثر بخشی سیاستها و نهایتاً فرار مالیاتی وجود خلاءهای قانونی در اجرای قوانین و مقررات می‌باشد این مسئله میتواند به تنهایی کارایی کل سیستم را مختل نماید. بدین منظور بایستی به ایجاد قوانین الزام آور برای اجرای قوانین و مقررات مالی در سیستم یکپارچه مالیاتی ارائه شود. استفاده از سیستم‌های مالی و هوشمند پیشگیری از تقلب، شامل استفاده از روش‌های شناسایی الگوهای عملیاتی غیرمعمول و تحلیل داده‌ها، باعث اجتناب برای فرار مالیاتی و تقلب در سیستم مالی می‌شود. سپس بر اساس روابط روی مدل کیفی فرضیات زیر طراحی و تخمین زده شد:

فرضیه ۱: بررسی ضریب اثر سیستم‌های مالی بر اجتناب فرار مالیاتی نشان می‌دهد که این ضریب مسیر مثبت برآورد شده است. با توجه به اینکه مقدار عدد معناداری از ۱/۹۶ بیشتر می‌باشند و سطح معناداری کمتر از ۰.۰۵ به دست آمده؛ می‌توان نتیجه گرفت که این ضریب مسیر در سطح خطای ۰.۰۵ معنادار است؛ یعنی سیستم‌های مالی بر اجتناب فرار مالیاتی تأثیر مثبت و معناداری دارد. با افزایش یک انحراف استاندارد در سیستم‌های مالی، شاهد افزایش در نمرات اجتناب فرار مالیاتی به اندازه ۰.۳۲۱ انحراف استاندارد خواهیم بود. بنابراین سیستم‌های مالی موجب افزایش اجتناب فرار مالیاتی خواهد شد. بنابراین با توجه به داده‌های گردآوری شده می‌توان گفت فرضیه اول تحقیق مبنی بر وجود تأثیر مثبت و معنادار سیستم‌های مالی بر اجتناب فرار مالیاتی با احتمال ۹۵ درصد تأیید می‌شود.

فرضیه ۲: بر اساس نتایج مشاهده می‌گردد، تأثیر متغیر عوامل فناوری اطلاعات بر سیستم‌های مالی مثبت و مقدار آماره تی مورد قبول واقع شد. همچنین تأثیر سیستم‌های مالی بر اجتناب فرار مالیاتی نیز مثبت و مقدار آماره تی تأیید گردید. با توجه به آزمون این دو مسیر در قالب یک مدل می‌توان استنباط کرد که متغیر سیستم‌های مالی نقش واسطه‌ای را در تأثیرگذاری عوامل فناوری اطلاعات و اجتناب فرار مالیاتی ایفا می‌نماید. از طرفی با توجه به اینکه مقدار قدر مطلق آماره سوبل (Sobel) از ۱.۹۶ بیشتر محاسبه شده و سطح معناداری آزمون کمتر از سطح خطای ۰.۰۵ به دست آمده است، می‌توان در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأثیر میانجی‌گری سیستم‌های مالی را در رابطه بین عوامل فناوری اطلاعات و اجتناب فرار مالیاتی را بار دیگر تأیید کرد. لذا فرضیه دوم تحقیق تأیید می‌شود.

- Scarcella, L. (2019). Tax compliance and privacy rights in profiling and automated decision making. *Internet Policy Review*, 8(4); 1-19.
- Gaviria, Diana., Arango, Juan., Valencia, Alejandro., (2015). Reflections about the Use of Information and Communication Technologies in Accounting Education. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, Volume 176, 992–997.
- Elazhary, M., Popovič, A., Henrique de Souza Bermejo, P., & Oliveira, T. (2022). How Information Technology Governance Influences Organizational Agility: The Role of Market Turbulence. *Information Systems Management*, 1-21.
- Chen, Y., Wang, Y., Nevo, S., Benitez-Amado, J., Kou, G. (2021). IT capabilities and product innovation performance: the roles of corporate entrepreneurship and competitive intensity. *Inf. Manag*, 52 (6), 643–657.
- Ferrer-i-Carbonell, A., Gërkhani, K., (2016), Tax Evasion and Well-Being: A Study of the Social and Institutional Context in Central and Eastern Europe. *European Journal of Political Economy*, 45(1). 149–159
- Setyowati, M.S., Utami, N.D., Saragih, A.H. and Hendrawan, A. (2020). Blockchain technology application for value-added tax systems. *Journal of Open Innovation: Technology, Market, and Complexity*, 6(4), 156.
- Sung, M.J., Awasthi, R. and Lee, H.C. (2017). Can Tax Incentives for Electronic Payments Reduce the Shadow Economy?: Korea's Attempt to Reduce Underreporting in Retail Businesses, World Bank Policy Research Working Paper, No. 7936, SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2896512>.
- Armstrong, C.S., Blouin, J.L., Larcker, D.F. (2012). The Incentives for Tax Planning. *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 53, No. 1-2, Pp. 391–411.
- Beck, P.J., Davis, J.S., Jung, W.-O. (1996). Tax Advice and Reporting under Uncertainty: Theory and Experimental Evidence. *Contemporary Accounting Research*, Vol. 13, No. 1, Pp. 49–80.
- Slemord, J. (2007). Cheating ourselves: The economics of tax evasion. *Journal of Economic Perspectives*, 21(1), 25 -48.
- Bounabat, B. (2017). From e-government to digital government: stakes and evolution models. *Electron. J. Inf. Technol*, 10, 8–21.
- Cantabene, C. and Grassi, I. (2019). Public and private incentives to R&D cooperation in Italy. *Econ. Innov. New Technol*, 28 (3), 217–242.
- Chiu, V., Liu, Q., Muehlmann, B., Annette Baldwin, A. (2019). A bibliometric analysis of accounting information systems journals and their emerging technologies contributions. *International Journal of Accounting Information Systems*, 32, 24-43.
- Kocsis, D. (2019). A conceptual foundation of design and implementation research in accounting information systems. *International Journal of Accounting Information Systems*, 34, <https://doi.org/10.1016/j.accinf.2019.06.003>.



Accounting Knowledge & Management Auditing

Vol. 14/ No. 56/ Winter 2024

Providing a Model of avoiding tax evasion based on the integrated aspects of finance, information and technology in the country's tax affairs organization

Sahar hajjalizadeh

Ph.D candidate Department Of accounting † Bandar Abbas branch †Islamic Azad university † Bandar Abbas †Iran
Sahar_alizadeh71@yahoo.com

Mehdi dasineh

Assistant professor Department Of accounting † Bandar Abbas branch †Islamic Azad university † Bandar Abbas †Iran
"Corresponding Author"
m.dasineh@iauba.ir

Hojjatallah salari

Assistant professor Department Of accounting † Bandar Abbas branch †Islamic Azad university † Bandar Abbas †Iran
hojjatslr@gmail.com

Hamid rostamijaz

Assistant professor Department of accounting † Bandar abbas branch †Islamic Azad university † Bandar Abbas †Iran
rostamijaz@iauba.

Abstract

This research was done to present a model of avoiding tax evasion based on the integrated dimensions of finance, information and technology in the Tax Affairs Organization of the country. The time period of this research was from the beginning of the winter of 1401 to the end of the winter of 1402. The information required by the research for Interpretive Structural Modeling (ISM) to provide the model was collected from among the experts, namely 14 experts of the Tax Affairs Organization of the country, who have more than 10 years of work experience and work experience in the electronic tax collection system. For the structural equation modeling part, a researcher-made questionnaire was used, which was distributed and collected among 387 accountants and tax auditors of companies admitted to the Tehran Stock Exchange. In this research, using Interpretive Structural Modeling (ISM), In this research, using Interpretive Structural Modeling (ISM), a model was designed to use the capabilities of information technology, financial systems to avoid tax evasion. Then, based on the model obtained, the relationships of the variables were re-examined using Structural Equation Modeling (SEM). Finally, structural equation modeling showed that the capabilities of information technology, financial systems have a positive effect on reducing tax evasion.

Keywords: Information dimensions, technology dimensions, tax evasion, information technology capabilities